

ایجاد فضای نظامی و امنیتی در مناطق زلزله زده برای چیست ؟

بهر روز ستوده

.....

آنجا همیشه زلزله ظلم بوده است
آنها همیشه زلزله از ظلم دیده اند
در زیر تازیانه جور ستمگران
روزی هزار مرتبه در خون تپیده اند
آوار جهل و سیلی فقر است و خانه نیست
این خشت های خام که بر خاک چیده اند
دیگر زمین تهی است
دیگر به روی دشت
آن کودکان ناز
آن دختران شوخ
آن باغهای سبز
آن لاله های سرخ
آن بره های مست
آن چهره های سوخته ز آفتاب نیست
تنها در آن دیار
ناقوس ناله هاست که در مرگ زندگیست

فریدون مشیری

در کشور زلزله خیزی مانند ایران که به اعتراف رئیس "مدیریت بحران" فقط در یک سال گذشته 7900 زلزله به ثبت رسیده است ، خانه های خشتی و سقف های کاه گلی به خانه هایی با مصالح ساختمانی مقاوم و حد اقل ضریب ایمنی در مقابل زلزله تبدیل نمی شوند چرا که دولت های دزد و تبهکار ، آنقدر روستائیان و طبقات زحمتکش را در فقر اقتصادی و فقر فرهنگی نگاهداشته اند که آنان به زحمت می توانند شکم خود را سیر کنند تا چه رسد به اینکه اندوخته ای داشته باشند برای بهینه سازی خانه های خشتی خویش . کافی است نگاه کوتاهی به میزان تلفات و ویرانی هایی که زلزله های ایران در طی 50 سال اخیر در این کشور ببار آورده است افکنده شود تا این واقعیت ساده در برابرمان آشکار گردد که در تمام زلزله ها ، طبقات فقیر و زحمتکش ایران ، قربانیان اصلی این حادثه طبیعی بوده اند . شرح دزدی ها و غارتگری های حکومتگران دو رژیم شاهی و شیخی که باعث عدم بهینه سازی خانه های خشتی و کاه گلی روستائیان ایران گردیده است در این نوشتار نمی گنجد که قصد من در این مختصر بررسی علت برقراری فضای نظامی و امنیتی در مناطق زلزله زده و ضرورت ایجاد شبکه های مدنی کمک رسانی های مردمی به هموطنان آسیب دیده می باشد .

در خیرها آمده است که مناطق زلزله زده آذربایجان در کنترل کامل نیروهای سپاه پاسدار و بسیج قرار گرفته است و این نیروها عملاً مناطق زلزله زده را به منطقه ای نظامی - امنیتی تبدیل کرده اند . رفت و آمدها را کنترل میکنند ، از گرفتن عکس و تهیه فیلم و گزارش توسط خبرنگاران داخلی و خارجی جلوگیری می نمایند ، از کمکهای مردمی به زلزله زدگان ممانعت بعمل میاورد و علاوه بر این ها و تازه ترین خبر این است که : سپاه پاسداران کمک های مردمی و خارجی را تصاحب کرده و به انبارهای خود منتقل می نماید !

وقوع سیل وزلزله و طوفان و سایر حوادث طبیعی در گوشه کنار جهان امری است که گاه و بیگاه در کشورهای مختلف اتفاق می افتد ولی آنچه که غیر طبیعی بنظر میرسد این است که حکومتی از کمک مردم به هنگام بروز چنین حوادثی جلوگیری بعمل آورد و از نزدیک شدن مردم به هموطنان آسیب دیده ی خود وحشت نماید . همه کشورها به هنگام بروز سوانح طبیعی ، کمکهای بشردوستانه سایر کشورها و نهادهای بشردوست و مدنی را با آغوش باز می پذیرند اما فقط جمهوری اسلامی است که می تواند در ابتدا اعلام کند نیازی به کمک خارجی نیست و بعدهم تغییر رویه دهد ، کمکهای خارجی را دریافت کند و حق نظارت کمک کنندگان را بر چگونگی توزیع کمکها از آنان سلب و تمامی کمکها را تصاحب کرده و به انبارهای سپاه پاسداران منتقل کند! راستی این همه وحشت حکومت اسلامی از نزدیک شدن مردم و خبرنگاران خارجی و داخلی به زلزله زدگان از کجا سرچشمه میگیرد و نظامی و امنیتی کردن مناطق زلزله برای چیست ؟ و آیا شما رژیم را در دنیا میشناسید که از نظر اخلاقی تا بدین حد سقوط کرده باشد که حتی به مجروحان زلزله زده و هزاران زن و مرد و پیر و جوان و کودک رهاشده در بیابان رحم ننماید؟ این همه پستی و رذالت ارادل و اوباش حاکم برسرزمین ما از کجا سرچشمه میگیرد که شیخ گنبدیده دهن و گردن گلفتی برسر منبر و برای به اصطلاح تسلی خاطر زلزله زدگان آذربایجان میگوید : « این زلزله ها امتحان الهی است ، منتظر کمک دولت و دیگران ننشینید ، این زلزله ها تمام شدنی و بیرون آمدن از قفس دنیا و بدن است ولی مهمترین موضوع ، زلزله قیامت است که ما باید خودمان را بسازیم و آماده سازیم که انشاءالله در آنجا خطری تهدیدمان نکند » !!! برای شنیدن سخنان آخوند عوافریب نورمحمدی در مورد : زلزله آذربایجان به این لینک مراجعه کنید

<http://www.youtube.com/watch?v=OVuIS1J8bYM>

و اما اینکه چرا جمهوری اسلامی در مناطق زلزله زده آذربایجان فضای نظامی - امنیتی ایجاد کرده است در یک کلام می توان آنرا ناشی ترس حکومت اسلامی دانست ، ترسی که هر رژیم دیکتاتوری و خودکامه ای و از جمله حکومت خودکامه و ضد مردمی ولایت فقیه از مردم کشور خود دارند را به اختصار می توان چنین برشمرد :

1 - ترس از همیاری و نمایش همدلی و همدردی مردم نسبت بیکدیگر .

به هنگام وقوع هر زلزله ای در ایران ، از آنجائی که مردم بدرستی دریافته اند که حکومتگران دزد و فاسد نه تنها کمکی به هموطنان زلزله زده نخواهند کرد بلکه از این فرصت پیش آمده نیز برای دزدی بیشتر استفاده خواهند نمود و از آنجائی که مردم ایران هیچگونه اعتمادی به سازمانها و نهادهای دولتی و نهادهای وابسته به دولت در امر کمک رسانی به مناطق زلزله ندارند ، به همین خاطر به محض وقوع زلزله ، نخستین امدادگران که به کمک زلزله زدگان می شتابند مردم کوچه و بازار ایران هستند که بصورت دسته ها و گروههای محلی بطور خود جوش برای کمک به آسیب دیدگان حرکت در میابند. رژیم خودکامه خامنه ای از چنین حرکت خود جوش و مردمی وحشت دارد . رژیم دیکتاتوری از اتحاد و یگانگی مردم و بروز حس نوع دوستی و همیاری آنان می ترسد چرا که این همدلی و اتحاد می تواند به موارد دیگر و از جمله آزادی و دموکراسی خواهی و مبارزه با تبعیض ها و مظالم جمهوری اسلامی نیز تسری پیدا کند .

2 - ترس از حضور خبرنگاران مستقل داخلی و خارجی در مناطق زلزله زده .

در هر زلزله ای ، رژیم خودکامه از ورود خبرنگاران مستقل خارجی و داخلی به مناطق زلزله زده جلوگیری می کند و یا با محدودیت هائی مواجه میسازد . اخبار و گزارش های مربوط به زلزله می بایستی از فیلتر کانالهای دولتی عبور کند و به آگاهی مردم برسد چرا که افشای واقعیات زلزله و به تصویر در آوردن زندگی مردم و ویرانه های خشتی می تواند سندی باشد برمحکومیت رژیم فاسد و دروغگوئی هایش که ادعای ابرقدرتی و مدیریت جهانی را دارد و با وقاحت تمام در بلندگوهای تبلیغاتی خود میدمد که کشورهای دیگر جهان می بایستی "ایران اسلامی" را سرمشق خود قرار دهند ! بدین ترتیب رژیم خودکامه خامنه ای به بهانه حفظ امنیت مناطق زلزله زده ، راه را بر خبرنگاران مستقل داخلی و خارجی می بندد تا مبادا زندگی واقعی و درد دل های زلزله زدگان به گوش مردم ایران و جهان برسد و پرده های تبلیغات دروغ رژیم خودکامه خامنه ای مبنی بر پیشرفت و ترقی ایران ! دریده گردد .

3 - ترس از فروریختن اقتدار دولت در اذهان مردم .

رمز بقای رژیم های دیکتاتوری و خودکامه ترسی است که دیکتاتورها در دل مردم نهادینه کرده اند ، زمانی که این ترس فرو ریزد و بر اقتدار دولت دیکتاتوری در

اذهان عمومی خدشه ای وارد شود نقطه ای است برای آغاز فرو پاشی نظام خودکامه . به هنگام بروز هر زلزله ، مردم ایران از یکطرف ضعف و ناتوانی مدیریت دستگاههای فاسد حکومت اسلامی را در مقابله با پی آمدهای زلزله مشاهده می کنند و ازطرف دیگر به قدرت و توانائی های گروههای امداد رسانی مردمی واقف می گردند و علیرغم تبلیغات دروغین حکومت اسلامی ، در ذهن خود با این نتیجه منطقی میرسند که اقتدار این رژیم فقط و فقط در سرکوب مردم و شکنجه و اعدام آزادیخواهان و تجاوز به جوانان آزادیخواه این مرز و بوم در اوین و کهریزک است نه در اداره جامعه . در جریان هر سانحه طبیعی و بحران اجتماعی ، بی کفایتی و نالایقی و ضعف مدیریت رژیم جمهوری اسلامی بوضوح آشکار میشود و رژیم سرکوبگر و عوامفریب تلاش میکند که این بی کفایتی و نالایقی اش علنی نشود .

4- ترس از رشد شبکه های مدنی و مردمی و مستقل از دولت .

رژیم فاسد و خودکامه خامنه ای از هر تشکل سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و مدنی که خود در رأس آن نباسد می ترسد و آنرا بمثابه کانون توطئه علیه خویش ارزیابی می نماید به همین جهت است که هرگونه شکل گیری نهادهای سیاسی و اجتماعی و مدنی را غیرقانونی و دایر کنندگان و اعضای چنین تشکل هائی را مجرم می داند ! رژیم خودکامه حتی از تیم های امدادگر و خود جوشی که به هنگام وقوع زلزله توسط مردم ایجاد می گردد وحشت دارد و آنها را خطری برای امنیت خویش احساس می نماید . در نظام اقتدارگرای مطلقه فردی آنها از نوع "الهی" اش ، فقط رهبر و گماشتگان مخصوص او هستند که می بایستی در لباس ناجی و خیرخواه و امدادگر ظاهر شوند . نگاه کنید به صحنه های چندش آور دست بوسی زلزله زدگان از رهبر جمهوری اسلامی به هنگام بازدید خامنه ای از یکی از روستاهای زلزله زده در آذربایجان ! در فرهنگ قتلارگری مطلقه ، توده مردم می بایستی در مقابل رهبر و پیشوا عبد و عبید و نوکر باشند . از دیدگاه صاحبان قدرت ، مردم همیشه باید در مقابل دولت احساس ضعف و زبونی کنند.

5- فضای نظامی - امنیتی در خدمت دزدی فرماندهان سپاهی ، بسیجی

و ...

توجهی که حکومت خودکامه خامنه ای برای نظامی - امنیتی کردن مناطق زلزله زده ارائه می دهد این است که : " دولت برای انجام خدمات کمک رسانی و برقرارکردن

امنیت در این مناطق ناگزیر است که آمد و رفت ها را کنترل کرده و از عبور و مرور زائد به مناطق زلزله زده جلوگیری بعمل آورد" این استدلال زمانی می تواند درست باشد که مدیریتی مسئول و دلسوز و پاسخگو و مأمورانی خادم و دست پاک در کارزار خدمت به مردم زلزله زده شرکت داشته باشند اما زمانی که هم مدیریت و هم مأموران اجرا دزد باشند تنها نتیجه ای که نظامی - امنیتی کردن مناطق زلزله ببار خواهد آورد عملاً این خواهد بود که فرماندهان فاسد سپاه و بسیج با فراغت و امکانات بیشتری به دزدی از منازل و مغازه های مردم در مناطق زلزله زده بپردازند و برکمکهای ارسالی مردم مسلط شوند . نگارنده این سطور چه پیش و چه پس از انقلاب در هر دو رژیم فاسد و دزد شاهی و شیخی ، از نزدیک و به عنوان امدادگر شاهد دزدی و غارتگری مأموران دولتی که به مناطق زلزله زده اعزام میگرددیدند ، بوده ام و دیده ام که چگونه این "امدادگران" دولتی ، در پرتو مقررات منع عبور مرور شبانه در مناطق زلزله زده ، به خانه ها و مغازه های مردم شبیخون میزدند و اموال قیمتی مردم را می دزدیدند . خرید و فروش کمکهای صلیب سرخ جهانی در میدان گمرک تهران و بازار های تهران و شهرستانها هم که دیگر نیازی به توضیح ندارد .

نکته پایانی و حاصل کلام -

زمانی که زلزله ای نه چندان قوی جان بسیاری از هموطنان ما را میگیرد و هزاران خانواده را بر تلی از خاک می نشاند ، احساسات نوع دوستی ما ایرانیان برانگیخته می شود ، همه ما مایل هستیم که بگونه ای به هموطنان آسیب دیده کمک نمائیم ولی در عین حال اکثر ما بدرستی اعتمادی به حکومت و مدیران و مأموران دزد ش نداریم . برخی از ما در جستجوی راههای مناسب و سالم برای کمک رسانی میگردیم ، پاره ای از ما به بهانه اینکه به هیچکس برای کمک رسانی اعتمادی نیست از انجام این وظیفه انسانی و ملی شانه خالی می کنیم ، بعضی از ما هم مانند آن خیال پردازانی که ترمیم تمام ویرانی ها و نابسامانی جامعه را موکول به ظهور مهدی موعود میکنند در انتظار سرنگونی جمهوری اسلامی نشسته ایم تا سامان دهی به نظم و اصلاحات اجتماعی و ترمیم ویرانی ها را آن نقطه آغاز کنیم ! به هر حال از هر صف و دسته ای که باشیم و هر فکر و اندیشه و دین و آئینی که داشته باشیم ، در کشوری که بر روی خط زلزله قرار دارد ، خارج از اراده ما هر از چندی در گوشه ای از این سرزمین زلزله ای بوقوع خواهد پیوست و بیشمار از هموطنان ما را به خاک و خون خواهد کشید و این داستان تکرار و باز تکرار خواهد شد . حال در

انتهای این نوشته سؤال من از خواننده این سطور این است که : با وجود یک دولت دزد و اقتدارگرا در قدرت ، و پیشوای علیل و مفلوکی که ناشیانه ادا و اطوارهای شاه سابق را در ذهن ما تداعی میکند ، آیا مردم ایران ، گروهها و نهادها و شخصیت های سیاسی و فرهنگی و مدنی و حرفه ای و هنری و حقوق بشری و غیره و غیره اولاً قادر هستند کاری کنند که میزان تلفات و خرابی های زلزله در ایران به حد اقل برسد یا خیر ؟ ثانیاً پس از وقوع هر زلزله آیا میتوان کاری کرد که از حجم دزدی ها کاسته شود و دولت و نهادهای محلی را با جنبشی مطالباتی تحت فشار قرار داد که مشارکت و نظارت مردمی بر نحوه توزیع کمکها و امدادسانی ها را برسمیت بشناسد ؟ پاسخ من این سؤال آری است ، شما را نمیدانم ؟

28 مرداد 1391

18 اوت 2012